



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تربیت دینی در کلام امام خمینی (ره)

بهرام حمیدزاده

مقدمه

باورهای امام (علیه السلام) جهان‌بینی مشترک همه افراد جامعه است که در شکل متعالی‌تر عرضه شده است و بیش از این، نمایی از بینش اسلام و قرآن و بینش انبیای الهی است. بنابراین ارزش‌های معنوی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اسلام در شخصیت ایشان متبلور شده است.

امام (علیه السلام) نه تنها به انتقال و بسط میراث فرهنگی اسلام در سراسر عمر خود اهتمام داشته است، بلکه پایه‌گذار یک فرهنگ نیز محسوب می‌شود. با مراجعه به آثار مکتوب، مجموعه بیانات، نامه‌ها و اعلامیه‌های امام، که امروزه صورت مدوّن و طبقه‌بندی شده در اختیار ما قرار دارد، می‌توانیم از نظرات ایشان در مورد انسان، هستی، جامعه و قضایای دستوری و تجویزی که در زمینه‌های مختلف از ناحیه آن حکیم الهی صادر شده است آگاه شویم.

این مقاله سعی دارد که با استفاده از روش تحلیل محتوا، سخنان و پیام حضرت امام خمینی (علیه السلام) را مورد بررسی قرار دهد و نوع تربیت مطلوب ایشان را ترسیم نماید و سپس با طرح نظرات جامعه‌شناسی در خصوص نقش مذهب، خانواده، معلم، جامعه و خصوصاً نقش اراده در تربیت انسان‌ها، با ذکر مستندات از سخنان حضرت امام (علیه السلام) تحلیل و بررسی بیشتری در این مورد ارائه نماید.

قبل از هر چیز، ابتدا لازم است در راستای تحلیل محتوای سخنان امام (علیه السلام)، به اهمیت تربیت دینی، مفهوم تربیت و اهداف تربیت دینی مطلوب آن حضرت اشاره کنیم.

اهمیت تربیت دینی

به عقیده امام (علیه السلام)، اساس عالم بر تربیت انسان قرار دارد و تربیت انسان در رأس همه امور

است. این مسئله، بیش از پیش اهمیت تعلیم و تربیت و این‌که تربیت در رأس همه امور بوده و اساس عالم بر تربیت انسان است را نشان می‌دهد از آن‌جا که انسان دارای دو بعد مادی و معنوی است، تربیت او نیز با توجه به این دو بعد وجود انسانی صورت گیرد، امام (علیه السلام) در این زمینه می‌فرماید: «همه جمعیت دنیا احتیاج به تعلیم و تربیت دارند، هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که من دیگر احتیاج ندارم به این‌که تعلیم و تربیت بشوم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تا آخر احتیاج او را خدا رفع می‌کرد» (صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۱۵۲).

«آن‌قدر که انسان غیر تربیت شده، برای جوامع مضر است، هیچ شیطنی و هیچ حیوانی و هیچ موجودی آن‌قدر مضر نیست.» (همان، ج ۱۴، ص ۱۰۳).

«مسامحه و سهل‌انگاری در تعلیم و تربیت خیانت به اسلام و جمهوری اسلامی و استقلال فرهنگی یک ملت و کشور می‌باشد.» (کلمات قصار از سخنان امام خمینی (علیه السلام)، ص ۱۸۳).

«انسان یک موجودی است که اگر چنان‌چه مهار نشود و سرخود بار بیاید و یک علف هرزه‌ای باشد و تحت تربیت واقع نشود، هرچه بزرگ‌تر بشود به حسب سال و بلند پایه‌تر بشود به حسب مقام، از جهات روحی تنزل می‌کند.» (صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۳۶).

«باید دانشگاه‌ها را مرکز تربیت قرار دهید. علاوه بر دانش تربیت لازم است، اگر یک دانشمندی تربیت نداشته باشد مضر است.» (کلمات قصار...، ص ۲۰۰).

پس از توجه به ضرورت تربیت انسان‌ها، امام (علیه السلام) تربیتی را صحیح و کارساز می‌داند که منطبق بر اصول تربیت اسلامی، و نشأت گرفته از تعالیم عالیه اسلام باشد. ایشان همواره تأکید می‌ورزید که تنها تربیت دینی می‌تواند افراد را به راه راست هدایت کند. ایشان در این مورد می‌فرماید:

«باید تربیت، تربیت قرآنی باشد» (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۴۰).

«من به همه اقشار انسانی و مسلمین و اقشار عرب توصیه می‌کنم برای پیروزی به همه مشکلات، باید تربیت اسلامی داشته باشند» (همان، ج ۲، ص ۵۶).

دقت در سخنان امام (علیه السلام) مشخص می‌کند که در اثر تربیت معنوی و روحانی است که می‌توان ملتی را چنان بارآورد که در دفاع از معنویات و شرف انسانی و ملی، داوطلبانه به استقبال شهادت بروند. این نوع تربیت است که می‌تواند به انسان قدرت ایمانی بدهد که وسیله آن بتواند برای کسب رضای خدا آن‌جا که لازم است به هر چه غیر خداست پشت پا زند و در راه رسیدن به محبوب هر مانعی را از میان بردارد.

بررسی مفهوم و اصطلاح تربیت دینی

ابتدا به برخی از سخنان امام (علیه السلام) که به طور مستقیم و غیر مستقیم مفهوم تربیت دینی را مورد توجه قرار داده است اشاره می‌کنیم:

«همه می‌دانیم که اساس تربیت‌های دینی توجه دادن توده است به فضایل روحی و معنویات و توسعه دادن نظرهای محدود مردم است از چهار دیوار کوچک جهان نورانی غیبی و اساس تربیت‌های مادی امروزی، زینت دادن همین زندگی مادی طبیعی است و منحصر کردن زندگانی است به زندگی جهان ظاهری» (کشف‌الاسرار، ص ۲۸۷).

«شما می‌توانید که جوان‌ها را تربیت کنید به یک تربیتی که تقوا در آن باشد» (جزوه تربیت کودک و نوجوان، ص ۱۲).

«باید جوانان روحانی و دانشگاهی قسمتی از وقت را صرف کنند در شناخت اصول اساسی اسلام که در رأس آن توحید و عدل و شناخت انبیاء بزرگ و پایه‌گذاران عدالت آزادی است. از ابراهیم خلیل... تا رسول خاتم‌الکونین» (در جستجوی راه از کلام امام خمینی (علیه‌السلام)، دفتر ۲۱، ۶۴).

با توجه به این سخنان امام (علیه‌السلام) مشخص می‌شود که انسان اگر با تربیت الهی بار آید و با معانی آیات قرآن که وسیله هدایت متقیان است آشنا گردد، از نظر روحی و معنوی چنان قوی می‌شود که می‌تواند در برابر بزرگ‌ترین مشکل‌ها تحمل داشته باشند و در برابر مصیبت‌ها که لازمه زندگی خاکی است، صبر و شکیبایی پیشه کند. در اثر این نوع تربیت، انسان در می‌یابد هر چه دارد از آن خداست که چند صباحی به عنوان امانت در اختیار وی گذاشته شده است؛ چراکه در قرآن آمده «هر چه در آسمان‌ها و هر چه در زمین است از آن اوست» (حج، ۶۴).

انسان تربیت شده در مکتب قرآن، در هر حال و زمان، خود را در محضر خدا می‌بیند. و تأثیر این نوع تربیت نیز درونی و عمیق خواهد بود. و فرد، دایماً در حال تربیت شدن است، زیرا خود را مسئول و در محضر خدا می‌بیند.

بهرتر است مفهوم تربیت دینی را علاوه بر سخنان حضرت امام (علیه‌السلام) در رفتار دینی او جستجو کنیم. نظرگاههای تربیتی هر فرد را می‌توان از نوشته‌ها و سخنرانی‌های او جستجو کرد، اما ملاحظه منش او در عرصه واقعی زندگی و نوع رفتارهای او در خصوص تربیت نوجوانان و جامعه نیز، در جای خود منبعی قابل توجه است؛ چراکه اعتقاداتی هستند که به واقع پیوسته‌اند.

نمونه‌های عملی رفتار تربیتی و دینی امام (علیه‌السلام)

«من ۱۳ یا ۱۴ ساله بودم که علاقه پیدا کردم به نماز شب و نماز شب می‌خواندم. این موضوع به وسیله والده محترمه به امام رسیده بود. امام روزی مرا صدا کردند و فرمودند حسن آقا «شنیدم که نماز شب می‌خوانی». من تصورم این بود که امام قصد دارند مرا تشویق کنند و جایزه بدهند. گفتم بله، ایشان در پاسخ فرمودند «به شما توصیه می‌کنم این کار را نکن، نماز شب بخوان. عوض نماز شب سه کار را انجام بده: یکی اینکه نمازهای یومیّهات را اول وقت بخوان، دوم اینکه درسات را خوب بخوان و سوم اینکه برو بازی کن» (نقل از حجت‌الاسلام سیدحسن خمینی - سمینار نماز، شهری).

«یکی از علما برای من نقل می‌کرد که یک سال تابستان به اتفاق امام و چند تن دیگر از روحانیون به مشهد مشرف شدیم و خانه درستی گرفتیم. برنامه چنین بود که بعد از ظهرها پس از یکی دو ساعت استراحت از خواب بلند می‌شدیم و به طور دسته جمعی روانه حرم مطهر می‌شدیم و پس از زیارت و نماز و دعا به خانه مراجعت و در ایوان باصفایی که در آن خانه بود می‌نشستیم و چایی می‌خوردیم. برنامه امام این بود که با جمع به حرم می‌آمدند، ولی دعا و زیارتشان را خیلی مختصر می‌کردند و تنها به منزل برمی‌گشتند و آن ایوان را آب و جارو می‌کردند، فرش پهن می‌کردند، سماور را روشن و چایی را آماده می‌ساختند و وقتی که ما از حرم باز می‌گشتیم برای ما چایی می‌ریختند. یک روز من از ایشان سؤال کردم که این چه کاری است. زیارت و دعا را به خاطر آنکه برای رفقا چایی درست کنید مختصر می‌کنید و با عجله به منزل باز می‌گردید. می‌گفت امام در جواب فرمودند: «من ثواب این کار را کمتر از آن زیارت و دعا نمی‌دانم» (نقل از سید حمید روحانی، سرگذشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی (ره)، ج ۱، ص ۹۷).

تربیت وقتی اساس دینی داشته باشد (با اعتقاد و اخلاق مذهبی هم ریشه باشد) همانند فطرت مایه‌های بنیادی در وجود می‌نهد و در سطوح کم عمق‌تر، نقش «طبیعت» و «ملکه ذهنی» و نظیر آن را دارد، ولی اگر تربیت بدون دین باشد، به عادت شبیه است که قابل ترک یا تعویض است و ضعف و زوال آن هم زیاد مشکل نیست. اگر این نظام تربیت دینی را با بینشی که وجود انبیا و تعالیم آنها را برای انسان ضروری نمی‌دانند مقایسه کنیم، در می‌یابیم که معنی تربیت به کلی عوض می‌شود، زیرا در بینش غیر دینی دیگر کمال مطلق خواهی و بی نهایت بودن ابعاد وجودی آدمی مطرح نیست و ایشان معمولاً در بعد مادی خلاصه می‌شود یا یکی آن را در بعد قدرت خلاصه می‌کند و انسان تربیت یافته را انسانی می‌داند که قدرت‌مندترین باشد تا بر دیگران سلطه پیدا کند؛ دیگری انسان را در سکس و جنسیت خلاصه می‌کند و تمام دردهای او را ناشی از عقده‌های جنسی می‌داند و دیگری انسان را مساوی اقتصاد و مالکیت می‌داند و غیر آن را پوچ و واهی می‌پندارد. تبعات عملی و اجتماعی چنین طرز فکریایی نیز بر کسی پوشیده نیست؛ در این نظام‌ها گناه معنا ندارد و انسان موجودی است بی عمق که، انبیا را از زندگی فردی و اجتماعی خویش حذف نموده و خود به جای آنان نشسته است. اما در حق نظام دینی معتقد به وجود انبیا و کرامت انسانی، فقط حقوق انسان و حقوق بشر مطرح نیست، بلکه در کنار آن «حق‌الله» نیز مطرح است که از آن به طاعت و عبادت و از خلاف آن به معصیت و گناه تعبیر می‌شود. در این نظام گناه، قابل آزمون نیست و چون سَمی است مهلک که آزمودن آن، همان هلاکت است کمال و تربیت آدمی در این نظام، به آن است که مطیع دستورات دین باشد و این یکی از مهم‌ترین ابعاد یک تربیت الهی است که انسان در بعضی موارد تسلیم بی چون و چرا باشد.

اهداف تربیت دینی

در فعالیت تربیتی، هدف نقش اساسی دارد. کلیه برنامه‌ها و فعالیت‌های تعلیم و تربیت در پرتو هدف جهت می‌یابد و به وسیله هدف منطبق پیدا می‌کند. بنابراین با این‌که تربیت‌های اجتماعی و حرفه‌ای اهمیت ویژه‌ای دارند و برای زندگی اجتماعی ضروری هستند، اما جهت‌گیری آن‌ها باید براساس هدف نهایی که تربیت انسان الهی است تعیین شود. در اندیشه امام (علیه السلام) تربیت الهی یک هدف اساسی تربیتی است و ایشان در موقعیت‌های مختلف بر این امر تأکید ورزیده است که هدف از تربیت اسلامی، آن است که شخص به مقام عبودیت الهی برسد و با سیر الی الله خود را هر چه بیش‌تر به منبع فیض ازلی نزدیک کند:

«هر کدام بچه دارید، تربیت کنید، تربیت الهی بکنید، تربیت شیطانی نکنید» (صحیفه نور، ۵، ص ۶۲).

«توجه کنید که کودکان را، جوان‌ها را به تعلیمات اسلامی و تربیت‌های اسلامی تربیت کنید

تا انشاء... کشور شما از آسیب مصون باشد» (همان، ج ۱۳، ص ۵۷).

«تمام کوشش انبیاء برای این بوده است که انسان را بسازند و انسان طبیعی را مبدل کنند به

یک انسان الهی» (همان، ج ۲، ص ۳۹).

«باید دانشگاه، اسلامی بشود تا علمی که در دانشگاه تحصیل می‌شود در راه ملت و در راه

تقویت ملت و یا احتیاج ملت همراه باشد و معنی اسلامی شدن دانشگاه این است که استقلال

پیدا کند و خودش را از غرب جدا کند و خودش را از وابستگی به شرق جدا کند و یک مملکت

مستقل، یک دانشگاه مستقل، یک فرهنگ مستقل داشته باشیم» (همان، ج ۱، ص ۱۲).

«اسلام مکتبی است که انسان‌ها را به گونه‌ای می‌سازد که به‌جز حق و مبدأ خلق به هیچ مکتبی

تسلیم نشوند و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نگردند و مصالح کشور خود را به هیچ انگیزه‌ای از

دست ندهند و از استقلال و آزادی خویش و سایر بندگان خدا بی‌هیچ طمع و خوفی دفاع کنند و

از خود خواهی‌ها و کوتاه بینی‌ها که منشأ بدبختی و گرفتاری است اجتناب کنند»

(همان، ج ۱۳، ص ۱۸۱).

«اسلام می‌خواهد انسان را یک انسانی بسازد جامع، یعنی رشد به آن طور که هست بدهد، از

حظّ طبیعت دارد رشد طبیعی به او بدهد، حظّ برزخیت دارد رشد برزخیت به او بدهد، حظّ

روحانیت دارد رشد روحانیت به او بدهد، حظّ عقلانیت دارد رشد عقلانیت به او بدهد، حظّ

الوهیت دارد رشد الوهیت به او بدهد...» (در جستجوی راه ... دفتر ۲۱، ص ۳۸-۵۱).

«آقایان که بچه‌ها را تربیت می‌کنند، مسایل سیاسی روز را هم به آن‌ها تعلیم بکنند و ... هم

تربیت‌های علمی بشود و هم تربیت سیاسی...» (صحیفه نور، ج ۵، ص ۱۰۹).

«انبیاء، آنها می‌خواهند یک انسانی تربیت کنند که خلوتش و جلوتش فرقی نداشته باشد...»

(همان، ج ۷، ص ۲۸۶).

در این عبارت‌ها، هدف‌های زیر برای انسان منظور شده است:

۱. به جز حق و مبدء خلق به هیچ مکتبی تسلیم نشود؛
۲. حافظ مصالح کشور خود باشد؛
۳. پاسدار استقلال و آزادی خویش باشد؛
۴. از رذایل اخلاقی دوری کند؛
۵. جامع باشد تا به رشد ابعاد مختلف انسانیت راه یابد؛
۶. تربیت هم جنبه بیرونی و هم جنبه درونی او را در برگیرد، به طوری که رفتار فردی و اجتماعی انسان تفاوت نداشته باشد؛
۷. رشد طبیعی که همان رشد در زمینه بدنی و زیستی و توجه به خواسته‌های مربوط به آن‌هاست، داشته باشد؛
۸. رشد عقلانی که پرورش قدرت تعقل است، داشته باشد؛
۹. رشد معنوی و الهی و پرورش حرکات قلب و خیال در پرتو دستورات الهی برای میسر می‌گردد؛
۱۰. تربیت علمی یعنی پرورش در زمینه علوم و دانش‌های روز ببیند؛
۱۱. تربیت سیاسی و آگاهی از مسائلی که در اطراف خود می‌گذرد داشته باشد؛
۱۲. به کمال مطلوب (مقام خلیفه الهی) برسد؛
۱۳. فقط مطیع خالق هستی باشد؛
۱۴. سعادت دنیا و آخرت او تأمین شود.

بنابر آنچه که بیان شد، تربیت مورد نظر حضرت امام(علیه السلام) متأثر از ایده انسان کاملی است که مطلوب نظر دین مبین اسلام است و جلوه‌ای از تمام صفات الهی و نور مقدس حق تعالی است؛ انسانی که عصاره همه مخلوقات و فشرده تمام عالم است. بر این اساس هدف، تربیت از دیدگاه حضرت امام(علیه السلام) از قوه به فعل رسانیدن استعدادهای نهفته و متعالی بشری، در جهت الهی شدن است.

نقش دین در تربیت اجتماعی افراد جامعه

دین یکی از نهادهای اصلی هر جامعه است. هر جا و هر زمان جامعه‌ای بوده است، دین هم در آن جامعه به اشکال مختلف و متفاوت وجود داشته است. (الیوت، ترجمه شاهرخ ۱۳۶۹، ص ۳۵). با پیچیده شدن زندگی اجتماعی و سیاسی، تأثیر دین نیز افزایش یافت و برای نمونه در انقلاب اسلامی ایران، ما شاهد یکی شدن سیاست و دین بودیم. بنابراین، دین نقش پایدار ساختن جامعه را به عهده دارد، زیرا از یک طرف هوس‌های افراد را محدود کرده و از طرف دیگر باعث ایجاد نظام ارزش‌ها، باورها و اهداف مشترک می‌شود.

از مصادیق بارز کارکرد دین، حفظ هویت فرهنگی در بین اقلیت‌های دینی است به دلیل پایبندی دینی اقلیت‌های مذهبی، تاکنون کلیه عوامل گرایش به فرهنگ بیگانه در اجتماع آنان

توفیق چندانی نداشته است و حداقل نهادها و سمبل‌های فرهنگی آنها کاملاً محفوظ مانده است. بنابراین گروه‌های اجتماعی، باید وحدت و همبستگی خود را به وسیله حمایت اخلاقی و دایمی دین تأمین کنند.

امام خمینی (علیه السلام) در مورد اهمیت و نقش فرهنگ اسلامی می‌فرماید:

«اسلام فرهنگی است مترقی...» (صحیفه نور، ج ۷، ص ۴۲).

«فرهنگ اسلام یک کارخانه آدم سازی است، چنانچه انبیا هم برای همین معنی آمده‌اند» (همان، ج ۱۲، ص ۱۱۴).

در جریان فرهنگ پذیری و حتی جامعه پذیری، افراد از خردسالی طی مراسم‌ها، جشن‌ها و عزاداری‌های ماه محرم در مساجد و هیئت‌های مذهبی، ضمن آشنایی با مذهب، فرهنگ پذیری و جامعه پذیری را تمرین می‌کنند. علت هم این است که عامل عقیده و ایمان، بیش از دیگر عوامل می‌تواند در جامعه یگانگی و همبستگی ایجاد کند.

فطرت پاک و حق جووی جوان، تنها با تعالیم مذهبی سیراب می‌شود و تاریخ نشان داده است که دین اسلام قادر است روح سلحشوری و ایثارگری جوان را در جامعه شکوفا سازد (زرشناس، روزنامه رسالت ۲۸/۱۰/۷۱).

مبلغان دینی باید با تأسی از رهنمودهای مقام معظم رهبری، استفاده از قالب‌های هنری و علمی و دوری از منافع گروهی و سیاسی، تبلیغ دین را مانند اوایل انقلاب در جهت اصلی خود، یعنی رفع تبعیض، اجرای عدالت و اصلاح، مشارکت اجتماعی، برقراری و تصحیح روابط فردی و اجتماعی قرار دهند تا پشتوانه فطرت حق جووی جوانان باشد و جوانان را آن‌چنان شیفته اسلام سازد که جان خویش را برای اعتلای عقاید مذهبی و نفی هرگونه سلطه فرهنگی استکبار فداکنند.

نقش خانواده در تربیت دینی جامع علوم انسانی

امام (علیه السلام) عقیده دارند که اولین سدی که می‌تواند مانع نفوذ تلقینات استعماری شود، خانواده است؛ زیرا تأثیر خانواده در کودک و نقش‌های مهم آن در جنبه تربیت دینی بسیار مهم و عظیم است. از نظر تربیت، خانواده کلاس اول پرورش کودک است، طفل مبانی زندگی را در آن‌جا فرا می‌گیرد و خوب و بد را از آن‌جا می‌آموزد. ایشان در موقعیت‌های مختلف از اولیا می‌خواهد به تربیت دینی فرزندانشان اهتمام نموده و مانع آن شوند که جوانان‌شان در گرداب مسایل سیاسی انحرافی و فرهنگ مبتذل غرب سر درگم شوند. در ادامه به برخی از این رهنمودها اشاره می‌نماییم:

«اگر فرزندان در دامن مادران، حمایت پدران متعهد، به طور شایسته و با آموزش صحیح تربیت شده و به مدارس فرستاده شوند، کار معلمان نیز آسان‌تر خواهد بود» (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۵).

«شما بانوان محترم مسئول تربیت اولاد صالح هستید. شما مسئولیت‌ها را در دامن‌های خودتان

اولادهای متقی بار آورید و به جامعه تحویل دهید. همه مسئول هستیم که اولادهای اسلامی و پاک تربیت کنیم. لکن در دامان شما بهتر تربیت می‌شوند. دامن شما بهترین مکتب است برای تربیت... شما می‌توانید بچه‌هایی تربیت کنید که از آسمان و آرزوهای انبیا حفاظت کنند» (همان، ج ۲، ص ۱۵۴).

«چه مع‌الاسف اجانب این شغل را پیش ما مبتذل کردند، مادرهای بچه‌های ما را از بچه‌ها جدا کردند» (همان، ص ۱۵۶).

«مادران و پدران باید توجه داشته باشند که سنین دانش آموزی و دانشگاهی سال‌های شور و هیجان فرزندانشان می‌باشد و با اندک شمارها، جذب گروه‌ها و منحرفین می‌شوند و نیز جوانان دبیرستانی با هوشیاری کامل توجه داشته باشند که عمال اجنبی آن را حتی با اسم اسلام راستین به دام شرق و غرب نیندازند» (پیام به مناسبت آغاز سال تحصیلی، ۱۳۶۰/۶/۳۱).

با ملاحظه محتوای این فرازها، مشخص می‌شود که در نظام تربیتی حضرت امام (علیه السلام) زن در خانواده و اجتماع، جایگاه رفیع و والایی را به خود اختصاص داده است؛ به عبارت روشن‌تر، زن از دیدگاه ایشان، مربی و تعلیم دهنده جامعه است و باید اولاً به گونه‌ای تربیت شود که بتواند نقش خود را از استعداد به فعلیت برساند و به بعد آموزشی و تربیتی او در عرصه خانواده، بیش‌تر از نقش‌های دیگرش توجه شود.

نقش معلم در تربیت دینی

حضرت امام خمینی (علیه السلام) بارها بیان فرموده‌اند که با توجه به نقش اساسی معلم در تربیت نسل جوان کشور، این معلمین هستند که می‌توانند با تعلیم و تربیت سازنده خود، در آینده زمام امور کشور را به نسلی بسپارند که از لحاظ معیارهای اسلامی در حد قابل قبولی است. ایشان می‌فرماید:

«پیشرفت هر کشوری، عقب ماندگی هر کشوری، باز به دست همین معلم است، معلم است که با ساختن خود، افراد کشور را پیش می‌برد و معلم است که اگر خدای ناخواسته، برای او انحراف حاصل شود کشور را خراب می‌کند» (پیام به مناسبت آغاز سال تحصیلی، ۱۳۶۰/۶/۳۱). در تعلیم و تربیت دینی، معلم نقشی اساسی دارد، تا آنجا که این مقام با شغل انبیا مقایسه شده است.

نقش جامعه در تربیت دینی

یکی دیگر از نکاتی که امام (علیه السلام) به آن اشاره کرده است، اجرا شدن تربیت دینی در سطح کل جامعه و توسط همه اقشار است. زیرا تربیت اسلامی آن‌گاه کارساز و کارآمد است که در فضایی صورت گیرد که از لحاظ فرهنگی متناسب با تعالیم اسلامی است. امام (علیه السلام) می‌فرماید:

«اگر یک جامعه صالح بود بچه‌هایش هم سالم بیار می‌آید، اگر فاسد بود، بچه‌ها هم فاسد بیار

می‌آید» (صحیفه نور، ج ۶، ص ۳۰).

«به امور جامعه اهتمام داشته باشید و در اصلاح آن مجاهدت کنید» (همان، ج ۸، ص ۸۲). بنابراین، مجموعه عواملی که از سوی جامعه بر چگونگی تربیت تأثیر گذارند و باید مورد توجه قرار گیرد، عبارت‌اند از: فلسفه اجتماعی جامعه، جهت‌گیری‌های سیاسی، علمی، اجتماعی، ثبات سیاسی، تلویزیون، رسانه‌های گروهی دیگر مانند مطبوعات؛ رفتار همسالان، مراکز تفریحی، فرهنگی، شرایط زیستی، اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و ...

نقش اراده در تربیت دینی

کار تربیت از جهت درونی، مربوط به کوشش و پیگیری خود آدمی است و غالباً جنبه عمق یافته آن، اخلاق و اعتقاد و به وسیله افزودن علم و فهم دینی، آن دو را استحکام و قوام بیشتر بخشیدن است. در تربیت دینی چشمگیر است، آن است که در عوامل درونی (اراده، شخصیت، وراثت و...) خود تربیت شونده حرکت می‌کند، می‌رود، می‌یابد و دستورالعمل برای خود می‌سازد و قصد می‌کند و انجام می‌دهد. امام (علیه السلام) در این مورد می‌فرماید: «هیچ پیروزی بالاتراز تصمیم و عزم و اراده استوار، برای رسیدن به حق نیست» (همان، ۱۵، ص ۲۱۵).

بر این اساس، این خود فرد است که اساس کار تربیت را می‌نهد و این خود اوست که موجبات انجام پرورش را فراهم می‌سازد و این خود اوست که تحول و کمال می‌یابد و در واقع «تربیت دینی» بر پایه «اراده و خودسازی» بنیاد می‌یابد. بر اساس آنچه بیان شد، می‌توان ویژگی‌های تربیت دینی را به شرح زیر نام برد:

۱. دارای فلسفه عمیق تربیتی است؛
۲. عوامل مختلف را در تربیت هم‌چون اراده خود فرد، خانواده، معلم، جامعه،... دخیل می‌داند؛
۳. الهام گرفته از ارزش‌ها و آرمان‌هایی است که ریشه در فطرت دارد؛
۴. شرایط زمانی، مکانی و واقعیت‌ها مانند (شرایط سنی، توانایی و...) را لحاظ می‌کند؛
۵. هدفمند و تعیین کننده مبدأ و مقصد برای انسان است؛
۶. مبتنی بر انسانیتی با جوهره الهی است؛
۷. این توانایی و میل را در فرد برمی‌انگیزد که به عرصه‌های تازه‌ای از علم، معرفت، و هنر دست یابد و خود را قدرتمند سازد؛
۸. نه تنها به جنبه‌های فردی انسان توجه دارد، بلکه روشی پیش پای انسان می‌نهد که بتواند در محیط پیرامون خود با تفحص و آگاهی، زندگی اجتماعی سالم و شایسته‌ای داشته باشد؛
۹. تفاوتی میان ارزش‌های علمی و دینی نمی‌گذارد و موجب تضادهای کاذب و اختلاف برانگیز نمی‌شود؛
۱۰. پیوسته افراد بشر را به تعالی سوق داده و جامعه را دگرگون می‌سازد؛

۱۱. روح سلحشوری را همواره به پیکره جامعه تزریق می‌کند؛
۱۲. نظام هستی را هدفمند و دارای خالق و مدیری خردمند که حامی انسان است می‌داند؛
۱۳. صرفاً نظری و متقبض نیست، بلکه همواره در بستر عمل ارزیابی می‌گردد و پویا و پی در پی در حال بازسازی است؛
۱۴. انسان را فعال با اراده می‌داند؛
۱۵. پویا و سازنده است؛
۱۶. توجه و ایمان به فردای بشر دارد؛
۱۷. به انسان روحیه‌ای خلاق و آزاد می‌بخشد.

پیشنهادات

در پایان با بررسی اندیشه‌های امام خمینی (علیه السلام) و تحقیقات و مطالعات انجام شده در علوم تربیتی و جامعه‌شناسی، توصیه‌هایی جهت تربیت دینی نوجوانان و جوانان با تکیه بر رهنمودهای امام (علیه السلام) ارائه می‌گردد؛

الف. در مورد بهره برداری از نظرات حضرت امام (علیه السلام) برای تربیت دینی نوجوانان، پیشنهاد می‌شود:

۱. مؤسسه نشر آثار امام خمینی (علیه السلام) نسبت به جمع آوری مجدد خاطرات ایشان، خصوصاً در زمینه تربیت دینی کودکان و نوجوانان تلاش تازه‌ای صورت دهد؛ چرا که حضرت امام به دلیل اشراف بر دین و مذهب، قطعاً الگوی بسیار مناسب در تربیت عرضه داشته‌اند که شاید هنوز بازشناسی و تنظیم نشده باشد.

۲. وزارت آموزش و پرورش در جهت آشناسازی نسل کودک و نوجوان کشور با زوایای زندگی امام، البته با استفاده از بیان هنری و قالب‌های جذاب، خاطرات ایشان را مورد استفاده قرار دهد. همچنین لازم است در زمینه تربیت دینی کودکان و نوجوانان به سیره آن امام عزیز، اهتمام خاص مبذول شود.

۳. محققان و دانش پژوهان علوم دینی و دانشگاهی در زمینه برخوردارهای تربیتی ایشان به بررسی و تفحص چندباره دست زبند تا در سایه این پژوهش‌ها، زوایای دقیق این امور روشن شود و الگو دیگران قرار گیرد.

ب. برای تأثیرگذاری عمیق اعتقادات و پایبندی دینی در نوجوانان، شایسته است اقدامات زیر صورت گیرد:

۱. متنوع نمودن شیوه‌های تبلیغ دینی در مساجد؛
۲. آشنا سازی جوانان با فرهنگ قرآن، سیره ائمه معصومین و عرفان اسلامی؛
۳. جذب مشارکت فرهنگی و اداره مساجد به وسیله جوانان؛

۴. استفاده از ویژگی عواطف جوانان در برگزاری با شکوه مناسبت‌های مذهبی و سالروز پیروزی انقلاب؛
۵. هدایت و حمایت مشارکت نوجوانان و جوانان در برگزاری کنگره بزرگداشت علماء و اندیشمندان استان یا شهر؛
۶. استفاده از نمایشنامه‌های تربیتی و حماسی در مدارس جهت تقویت فرهنگ دینی در دانش‌آموزان؛
۷. تشکیل مراکز مشاوره و راهنمایی در هر شهر برای هدایت دینی، اجتماعی، اخلاقی نوجوانان و جوانان؛
۸. طرح صحیح مسایل سیاسی، اجتماعی و دینی جاری داخل و خارج از کشور برای دانش‌آموزان، به صورت پرسش و پاسخ در مدارس یا نماز جمعه.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی